

حال و روز شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان اصلاً خوب نیست؛ این را می‌توان از خلال صحبت‌های محسن رهامی از اعضای شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان دریافت؛ او بسیار تلاش می‌کند از سخنانش نه محمدرضا عارف برنجد نه دیگر دوستان منتقد او؛ اما انتقادات از نهاد انتخاباتی اصلاح‌طلبان بلندتر از آن است که کسی نادیده اش بگیرد. او در گفت‌وگو با «ایران عصر» از جلسات کم رمق شورا می‌گوید؛ از اصلاح‌طلبانی که قهر کرده‌اند و در اعتراض به رویکرد شورا، در جلسات آن حضور نمی‌یابند. بخشی از این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید؛ مشروح این مصاحبه را در شماره فردای روزنامه ایران و سایت ایران آنلاین بخوانید.

■ اخیراً جبهه‌ای در اصلاح‌طلبان اعلام موجودیت کرد که حزب متبوع شما هم در آن عضویت دارد؛ ماجرای «جبهه اصلاح‌طلبان ایران اسلامی» چیست؟

«جبهه اصلاح‌طلبان ایران اسلامی»، چیز جدیدی نیست؛ ما یک شورای هماهنگی جبهه اصلاحات داریم که الان ۳۰ حزب در آن عضویت دارند؛ در آستانه انتخابات مجلس دهم تعدادی از اشخاص حقیقی از طرف سید محمد خاتمی و دیگر دوستان به این احزاب اضافه و مجموعه‌ای به نام شورای عالی سیاستگذاری تشکیل شد. وقتی می‌خواستیم شورای عالی سیاستگذاری را به‌عنوان یک جبهه در وزارت کشور ثبت کنیم، اشکال وارد کردند و گفتند که جبهه باید ترکیبی از احزاب باشد؛ نمی‌تواند ترکیبی از احزاب و اشخاص حقیقی باشد؛ لذا تعدادی از این احزاب، این مجموعه را به‌عنوان جبهه اصلاحات ثبت کردند تا اگر فعالیت می‌کنند یا بیانیه‌ای می‌دهند یک جبهه قانونی باشد.

■ شورای هماهنگی جبهه اصلاحات مجوز داشت؟
بله.
■ پس درخواست جبهه جدید چه لزومی داشت؟



محسن رهامی در گفت‌وگو با «ایران عصر»
تشریح کرد

پشت پرده اختلافات در شورای اصلاح‌طلبان

در شورای هماهنگی جبهه اصلاحات نماینده‌های آقای خاتمی و آقای عارف حضور ندارند؛ می‌خواستند خلأ حضور اشخاص مؤثر برطرف شود. انتقادی که برخی از دوستان به شورای عالی سیاستگذاری وارد می‌دانند و به همین دلیل حاضر نیستند در آن حضور پیدا کنند همین است؛ می‌گویند این اشخاص حقیقی یا نماینده حزبند که باید با تابلوی حزب بیایند، اگر عضو حزب نیستند، باید حزب تشکیل بدهند. به گفته این افراد، شخص حقیقی نمی‌تواند با رأی مساوی کنار دبیرکل یک حزب قرار بگیرد. درواقع جبهه جدید یک مفرو نام قانونی برای شورای سیاستگذاری است.

■ ا مادر این جبهه هم مانند شورای عالی سیاستگذاری افراد نمی‌توانند حضور داشته باشند؛ از طرف دیگر با جبهه جدید، مشکل پوسته بیرونی و قانونی حل شد، اما واقعیت درون شورای سیاستگذاری نیازمند رسیدگی فوری‌تر نیست؟

البته که هست؛ الان سید هادی خامنه‌ای، آقای کرباسچی، آقای کواکبیان، آقای کمالی و آقای مرعشی به دلایل یاد شده به جلسات شورای عالی سیاستگذاری نمی‌آیند، مثلاً استدلال سید هادی خامنه‌ای این است که شخص

حقیقی با هر موقعیتی که دارد، نباید کنار دبیرکلی باشد که در ۲۰ یا ۳۰ استان شعبه دارد و حق رأی مساوی هم داشته باشد.

■ در شورای پنجم، سه شهردار روی کار آمدند؛ به نظر می‌رسد با توجه به برخی حواشی استدلال دوستان منتقد کاملاً وارد است.

بله به همین دلیل هم برخی از آنها که قبلاً به جلسات شورای سیاستگذاری می‌آمدند، الان اصلاً حاضر نیستند همکاری کنند. آن موقع حتی اگر خودشان نمی‌آمدند، نماینده‌ای می‌فرستادند؛ مثل آقای هادی خامنه‌ای و آقای کمالی و آقای کرباسچی. مثلاً کارگزاران آقای مرعشی را می‌فرستاد، بعد آقای طاهرنژاد را فرستاد و الان هیچ کس را نمی‌فرستد.

■ بالاخره دنبال راهکاری برای حل و فصل اختلافات نیستید؟

گفت‌وگوهایی داشتیم؛ چند جلسه نیز با دبیران کل احزاب داشتیم. اگر انشعاب شود، به ضرر همه ماست. متأسفانه الان اختلافات به بیرون درز کرده است و قضیه آقای نجفی باعث شد که اختلافات به بیرون درز کند.

■ درباره آقای عارف انتقاد دیگری هم مطرح است؛ عده‌ای معتقدند آقای عارف در رأس شورای سیاستگذاری

و فراکسیون امید مجلس موقعیت خوبی داشت؛ برای اولین بار تمام کرسی‌های پارلمان ملی و شهری در حوزه انتخابیه تهران در اختیار یک لیست بود و می‌شد از این ظرفیت برای ایجاد تحولات اساسی استفاده کرد؛ اما این فرصت از دست رفت... دکتر عارف سرمایه‌ای برای اصلاحات است و فعلاً محل اجماع است؛ اما نواقصی که گفتید به احزاب باز می‌گردد؛ آقای عارف که نمی‌تواند به تنهایی مشکلات ناشی از فقدان حزب را حل کند.

■ کسی از آقای عارف چنین انتظاری نداشت؛ انتظار این بود با توجه به کرسی‌های تصمیم‌گیری‌ای که در اختیار دارد، فعال‌تر باشد.

چون ایشان دبیر کل حزب نیستند، نمی‌توانند خلأ حضور احزاب را پر کنند. باید احزاب مانند اغلب کشورها به بحث انتخابات و تدوین لیست ورود کنند.

■ اینجاما دچار تناقض می‌شویم؛ ما یک شورای عالی سیاستگذاری داریم که بدنه‌اش احزاب هستند و می‌دانند یک نفر وقتی می‌تواند تأثیرگذار باشد که حزبی باشد. بعد چطور با قاطعیت و اکثریت قریب به اتفاق آرا به آقای عارفی رأی می‌دهند که حزبی نیست.

این اشکالی است که به حامیان شورای سیاستگذاری وارد است؛ آنها که مصر بودند اشخاص حقیقی را وارد شورا کنند. درست است که احزاب در آنجا حضور دارند، ولی فعالیت شورای سیاستگذاری مدل کار حزبی نیست؛ بیشتر گعده‌ای و لویی جرگه‌ای است.

■ اگر همین لویی جرگه‌ای که شما می‌گویید، باشد که نباید لیست بدهد؛ یا حتی اگر بپذیریم لیست بدهد، باید فردی در رأسش باشد که شخصیت کاریزماتیک داشته باشد یا پشتوانه حزبی. شاید این مدل تا پیش از پیروزی لیست امید در شورای پنجم قابل قبول باشد، اما بعد از آن آیه‌ای کسی نیاز نبود که به‌عنوان حلقه واسط بین شورای سیاستگذاری، شورای شهر و مجمع نمایندگان تهران و فراکسیون امید باشد؟ آن موقع فردی را می‌آوریم که پیشینه حزبی ندارد و بعد نمی‌توانیم سؤال کنیم که چرا چنین کردی یا نکردی؛ چون حزبی نیست...

ما دنبال آدم کاریزماتیک بودیم اما

وقتی در دبیران کل به این نرسیدیم، سراغ اعضای حقیقی رفتیم. در شورای هماهنگی ما به این نتیجه رسیدیم که ریاست دوره‌ای باشد و دنبال فرد کاریزماتیک نبودیم. در شورای سیاستگذاری این مدل پذیرفته نشد و گفتند که جواب نمی‌دهد و باید سریع‌تر تصمیم می‌گرفتیم. آن مشکل مثل استخوان لای زخم باقی ماند.

راه حلش هم این است افرادی مانند دکتر عارف که وزنی در اصلاحات دارند، حزب درست کنند. اگر کسی می‌خواهد در فهرست مؤثر باشد و خودش یا دوستانش به مجلس برود، باید مسئولیت کار حزبی را بپذیرد. نمی‌شود حزبی رفتار کرد و فهرست داد و مردم به حساب اینکه به جریان اصلاح‌طلبی رأی دادند، رأی بدهند و بعد هیچ کس مسئولیتش را قبول نکند. هیچ کدام از اشخاص حقیقی الان حاضر نیست مسئولیت مجلس دهم و شورای پنجم را بپذیرد.

■ زمانی آقای خاتمی درباره این شورا نظراتی داشتند. آخرین جلسه‌تان با آقای خاتمی سر این موضوع کی بود؟ چند جلسه داشتیم؛ آقای خاتمی در آخرین جلسه از اتفاق‌هایی که افتاده بود، ابراز ناراحتی کردند و چند بار گفتند ما نمی‌توانیم پاسخگوی مردم باشیم. متأسفانه گاهی احزاب و جریان اصلاح‌طلبی سرمایه آقای خاتمی را صرف فهرست کرد. در حالی که نباید سرمایه ایشان صرف فهرست می‌شد. ایشان باید پیام کلی بدهد و از اصل حضور مردم در انتخابات حمایت کند. شأن ایشان بالاتر از این فهرست هاست. این اشخاص سرمایه ملی هستند، سرمایه حزبی نیستند و شما نباید آنها را خرج حزب کنید. فرض بگیریم آقای خاتمی از فهرست حمایت نمی‌کرد و آقای چمران به جای فلان خانوم و فلان شخص وارد شورا می‌شد. ما نباید برای نرفتن چند نفر به شورا، سرمایه‌مان را آتش بزنیم. اگر آقای خاتمی پیام نمی‌داد ممکن بود آقای ابوترابی و احمد توکلی به مجلس برود؛ خب آن موقع چه اتفاقی می‌افتاد؟ کجای این مملکت به هم می‌ریخت که باید آقای خاتمی را خرج می‌کردیم؟